

عنوان مقاله:

تاثیر چند زبانه بودن در آموزش

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسندگان:

علیرضا قنبرزاده شاهخالی - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام علی (ع) رشت، ایران

فرشته ملکی - دانشجوی الهیات پردیس زینبیه پیشوا

فریناز نوبخت زردآلو - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس باهنر تهران، ایران

فرزین شیخی شهیدانی - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام علی (ع) رشت، ایران

علی اصغر عباسی پور - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام علی (ع) رشت، ایران

امیرمحمد میرزایی - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام علی (ع) رشت، ایران

خلاصه مقاله:

دوزبانیگی از یک حداقل سطح مهارتی به دو زبان تا سطح مهارتی بسیار بالایی که به فرد این اجازه را می‌دهد تا بتواند از دو زبان، همانند گویشور بومی زبان استفاده کند، متغیر است. فردی ممکن است خودش را دوزبانه بداند، به صرف اینکه میتواند به دو زبان صحبت کند و ارتباط کلامی ایجاد کند، و فرد دیگر، به دلیل اینکه در خواندن به دو یا چند زبان مهارت دارد، خود را دوزبانه بداند. بنابراین، نمی‌توان تعریف دقیق و روشنی از دوزبانیگی ارائه داد. گاهی ضرورت‌هایی برای فراگیری زبان دوم برای کودکان وجود دارد، چون ممکن است والدین کودک کاملاً بر زبانی که در اجتماع آنها صحبت می‌شود تسلط نداشته باشند. بنابراین، کودک یک زبان در خانه و یک زبان در مدرسه یاد می‌گیرد. گاهی نیز دو زبانه بودن یک انتخاب است و والدین می‌خواهند که فرزندشان زبان دیگری هم فرا بگیرد، حتی اگر خودشان زبان دومی بلد نباشند. اما رسیدن به این هدف آسان نیست و نیاز به برنامه ریزی و تلاش فراوان دارد. این که کودکان یک زبان جدید را سریع تر از بزرگسالان فرا می‌گیرند به این معنی نیست که می‌توان بدون دشواری کودک را دو زبانه بزرگ کرد. بلکه نیازمند تلاش و همت والدین و خود کودک است. قرارگرفتن در معرض زبان دوم بصورت مداوم، تمرین و ممارست و محیط غنی زبانی از ملزومات این کار است.

کلمات کلیدی:

زبان، آموزش، تدریس، معلمی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1619111>

